

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (حبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر ادارا آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

حبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه هاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

دو شنبه ۲۵ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۷ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۵ اوت ۱۹۰۷ میلادی

رشت

غیرتمندان را بشارت که دودمان استبداد رو بخرابی
نهاد و دوره نیرنگ و شعبده بازی باخر رسیده دست
خدائی از آستین قدرت بیرون شد و نور غیبی ظلمات
اوهم را تابش خورشیدی داد ا گر چه آیات بینه و
کتاب سماویه با عقول صریحه و افکار عالیه متعارضه و
متعارضند بر حقایق این اساس مقدس اسلامی و این نقطه
مقصود مسلمانی ولی باز بمقتضی لطف غیرمتناهی برای
رفع بهانه گیری منحرفین از صراط المستقیم و دور
ماندگان از میزان قیوم هر لحظه آیتی جدید از آسمان
رحمة نازل و برهانی مزید از شعاع ولایه ساطع است
هرکس را که بخیالت وسوء نیت سری بجنبند با دست
غیبی و تسبیح مقدمات طبیعی کاه آتش نکوبند و خانه اش
بسوزند و قایع این اوقات کیلان فی الحقیقه مایه امیدواری
آزادی طلبان و نا امیدانی مستبدان است اذانات گیلانیان
بهدای بلند فریاد میزند که دیگر حرکات نماسی و
اذانات بی دینی دشمنان دین و دنیا در دل اهل اسلام
ولعی ندارد بعد از این بحیله و تقساق در قلوب ملت
آگاه نمیشود تصرف نمود آن سبب شکست و آن پیمانه
ریخت گذشت آن ایامی که بپرق سکه سفید و زرد دل
مسلمانانرا میبردند تمام شد آن دوره که اهل ظلم و
فساد بهیبتی و اقتدار خانه مظلومین را خراب میکردند
مدتی است که مخابرات جناب شیخ فضل الله در عروق
مستبدین کیلان تحریکی نموده بود که شاید موقمی پیدا
شده و در اساس مقدس شعوری اسلامی رخنه میتوان
نمود حرکات مشهورانه میکردند ترک تازیهای فوق العاده

مینمودند در نواحی شهر بنای طفیان نهادند در داخله
شهر آغاز شیطنتی کردند بانواع حیل نقشه هار بختند
و هندسه ها کشیدند غافل از اینکه
(گر نکه دار من آنستکه من میدانم)
(شیشه را در پهل سنک نکه میدارد)
ملت غیور کیلان با کمال لطافت از این حرکات جلو گیری
نموده و نقشه های پلکی آنها را خراب کردند حاجی سید رضی
وحاجی میرجلیل که محرک تمام آشوبها و مؤسس تمام
غوغاها بودند بنای جرئت و جسارت گذاشتند و دست تطاول
بابروی غیوران آزادی طلب دراز نمودند پای جسارت و جرئت
از حد خویش بیرون کرده آقای حاجی میرزا محمد رضا
دامت الاضانه را که مرکز رکن ملت آزادی طلب و قائم حوزه
عدل برست و کعبه امیدواری اهالی کیلان بود مورد تعرض
و جسارت کرده و عبارات منحوسه اساس مقدس مشروطیت
را توهین نمودند خون اسلام غیرتمندان بجوش آمد و سینه
جوانمردان اسلام برست بخروش عنان تحمل نکلی از دست
رفت و آتش ملیت یکمرتبه زبانه کشید نعرهای مردی بلند شد
دست های غیرت الا رفت هیچ نمائند بود که هشتی را نیست
و وجودش را نابود کنند باز حضرت معظم بایکدنیا عقل و عیانت
واقسام تدابیر از این اذانات جلو گیری فرمود ولی مردمرا
آتش اشتعال فریونمیشست و هیجان عمومی بالا میگرفت تا بحکم
قانون السی نفیض را از ایالت جلیله مطالبه کردند ایالت هم فوراً
مامور روانه فرمود و از شهر اخراجش نمود حقیقت آفرین
برفتن کیلانیان که با این اقدام غیورانه و این قوه برقی و روحانیه
بتمام عالم اعلام کردند که (هذا جزاء من اراد بانسوا)
این اوقات درخت عدل و کاستان مشروطه را در کیلان
طراوتی فوق النهایه است يك واقعه آسمانی بروز نموده

که امیدوار
وخائنین
بخشدراس
طالع شد
فرب سا
مزارع
نم از آسمان
مردم از
لا يموت
باران فرام
سریره اه
بحکم (۱)
روی داد
عدل منس
طلب را
آورد آقای
از اهل دیا
عرض این
آبرو میر
بی ناموسان
هنوز در
که سحاب
عنایت ایزد
وا بهشت
متصل بار
پژمرده کی
اثر خو شب
وسر بلندی
کنیم (مانتو
حقیقه آبرو
مستبدان بر
فرمود و
تابداند حر
مدد کاری
متین است
سینه مستبد
فریق فی الج
(و
از روز چه
کرده انجمن
میکردند چه
مرداب گرد

که امیدوران سمانت طلب را دنیا دنیا امیدواری میدهد و خائنین استبداد پرست را بگای نامه یاس و ناامیدی می بخشدرستی آفتاب اقبال و کوكب شرافت امروز بر ایرانیان طالع شده مژده رحمتی از آسمان کرامت امروز رسید قریب سه ماه است که طوری خشک سالی شد که تمام مزارع بی یا تمام محصولات خشک شد در این مدت نم از آسمان نیامد و بیم اشک از دیده ها جاری شد کلبه مردم از عوانه ملکی محروم و تمام رعایا ارداشتن قوت لا یموت مایوس بودند چنان قحطسالی شد اندر دمشق که یاران فراموش کردند عشق و این واقعه اتفاقی را که از سوء سریره اهل نفاق و زبانه آتش بی رحمی و استبداد ظالمین بحکم (اتقوا ننة لانصیبین الذین ظلموا) خاصه بمسلمانان روی داده بود منافقین تغییر مسلك نموده و با اساس مقدس عدل منسوب کردند این کلمات دلخراش دل مردان خدا طلب را آب کرد و سینه ملت پرستان حق خواه را بدرد آورد آقای حاجی محمد رضا باهشتی از وکلا و متخیین از اهل دیانة و تقوی برای صلوة استسقا بصحرا رفته و عرض این کلمات جالسوز را بمادل حکیم نمودند که آبرو می رود ای ابر خطا پوش یار بعد از مراجعه باز بی ناموسان زبان طمن داشتند و کلمات رنگا رنگ می گفتند هنوز درست شب نیامده و آثار روز محو نشده بود که سحاب بحار رحمت الهی چنان مترکم شد و باران عنایت ایزدی چنان بارید که زمین دلهای مرده ملت کیلان را بهشت عدن و جنات لیمیم ساخت ثانیه روز آینه متصل بارید مزارع مشروب شد انهار جاری گردید پژمرده کی اهل حق زائل و قابوب مستبدین تارک شد اثر خو شبختی و سعاتاز جبین ملت ظاهر و زبان افتخار و سربلندی بلند کردند خدایا چگونه شکر تویم و حمدت کلیم (ما لتوانیم شکر و حمد تو گفتن با همه کرو بیان عالم بالا) حقیقه آبروی عدالت طلبان جلوه نمود و خبت سریره مستبدان بروز کرد روحانی اسلام معجز نمائی فرمود و دست غیبی از حامیان اسلام مدد کاری نمود تابندند حریران که دست الهی با عالم و الم حمایتی و مدد کاری مروجین دین و حامیان اساس شرع متین است و حشت قهر خدائی بامد هزار مهر مایته بسینه مستبدین (قد تبین الرشد من الفی) ظاهر شد فریق فی الجنة و فریق فی السعیر آشکارا گردید امضا محفوظ

(وقایع نگار محترم ما از انزلی مینویسد)

از روز چهاردهم شهر حبال اهالی فوق العاده جشن گرفته انجمن مقدس ملی هم آرزین بسته پذیرائی خوب می کردند جهاز های یونی بالانوسهای رنگین شبها در مرداب گردش میکرد هر قدر تعریف و تمجید از این

جشن بنویسم جا دارد و قلم از وصفش عاجز است چنان چه تلکرافا شروع جشن را با اداره اطلاع داده ام .

در عمارت متمدنی که محل انجمن و حیاط بزرگی است جمعیت از حد بیرون بود وطن پرستان خطابه های مفصل قرائت میکردند بزرگی و عظمت این روز را به حاضرین و تماشاگران عرضه میداشتند و عدم موافقت خائنین را با مجلس مقدس شورای ملی و پیشرفت نکردن امورات و تاخیر قانون اساسی و و و و همرا از شتمت منافقین بیان میکردند و از وزارت داخله شکایت زیاد داشتند و ول کن معامله نیستند

در روز مذکور مجاهدین اجتماع نمودند که چند نفر را از شهر خارج کنند اول وکلای انجمن معانعت کردند چاره نشد بالاخره بایدق قرمز بهیئت اجتماع در ب خانه ... رفتند آقا جواب فرمودند که من مخالف نیستم ولی ملت متقاعد نشده حرکت آقا را خواستگار شدند باری دیروز هم معین التجار را حرکت دادند اگر چه معین التجار هنگام حرکت اظهار نمود که مخالف حاجی علی کبر معتمد است حاج مشارالیه درده بود و خواست بانزلی بیاید همینکه شنید اسکر بیاید او را هم بیرون خواهند کرد فسخ عزیمت نمود عجالتا انتخابی را که محل پیشرفت امور مشروعه مشروطه میدانند جلوگیری میکنند علت این بود که حاجی معتمد وکیل انجمن بود و او را معزول کردند بایکی دونه دیگر را بهداز اینکه حضرات معزول شدند اداره خیریه هم تشکیل دادند و این فساد روی کار آمد بلی مخالف در ره جاهست ولی انزلی هر کس مخالف باشد فرصت نمیدهند و بیرون میکنند خواه مکتلا باشد خواه معمم خواه سید قرشی باشد خواه غلام حبشی فرق نمیکند

(اخطار)

بموم برادران ایمانی و هواخواهان وطنی عرضه میداریم که در این ایام بواسطه جشن ملی بعضی مذاکرت از بعضی انجمنها شنیده شده که باسم جشن بعضی اشخاص از بعضی هواخواهان و طن بول گرفته اند بعض استحضار خاطر آقایان عرضه میداریم در هیئت اداره کنند جشن باطلاع رئیس مجلس مقدس طرفی حساب جناب دکتر اسمعیل خان بوده اند و از هر کس آنچه گرفته شده بتوسط شخص ایشان بوده و در اتحادیه طلاب هم مدیر عرفه جناب آقا میرزا ابراهیم قمی بوده اند و صورت جمع و خرج تمام حساب باصحة حضرت رئیس برعهده جناب دکتر اسمعیل خان است و البته ایشان صورت جمع و خرج را در تمام جرائد اعلان خواهند نمود مبلغ چهار صد

تومان هم از حضرت . . . و الا بتوسط شخص محترمی باسم اتحادیه طلاب داده شده و هنوز اتحادیه قبول نکرده ما چند نفر که از اعضاء اتحادیه هستیم اعلان می نمایم اولاً هر گاه این وجه پذیرفته شود استفسار از ناطقیت در اتحادیه و عضویت از آن خواهیم داد و اگر دیناری باسم جشن ملی یا باسم ویرسم دیگر کسی غیر از جناب دکتر اسمعیل خان که متصدی خرج و داخل هستند داده است استدعا می نمایم در جرئت باسم و رسم اعلان فرمایند که شرفی مردمان خالص صحیح العمل محفوظ مساند و همه برادران را بحقیقت اسلامیات قسم میدهم در این باب چشم پوشی و مداخله فرمایند که این مداخله سبب هتک ناموس مردمان باشرف خواهد شد

(حاجی میرزا نصرالله ملك المنكمين) (ارشد الذوله) (حاج نایب الصدر) (آقا میرزا سید علی شیرازی) (ادیب المجاهدین) (آقا سید محمد رضای شیرازی) (آقا شیخ یوسف زنجانی)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(شنبه ۲۳ شهر جمادی الثانیه)

غایب و حاضر و کلارا صورت دادند در ایام هفته گفته شد خدمت مجانی غیبت و حضور ندارد در خصوص تفاوت عمل خالصجات از اینجا و مازندران گفته شد که مبالغی اضافه میدهند چرا وزیر مالیه ختم نمیکند گفته شد که باید وزارت جلیله مذکور صورت آنها را داد و ختمش را خواست

وزارت تجارت بر حسب احضار مجلس آمده اظهار داشت اولاً قانون وزارت تجارت نوشته شده و بتوسط همین نظام بمجلس مقدس تقدیم میشود که تصحیح و تنقیح نمایند و شخص معظم الیه را هم بسمت مصاوبی وزارت تجارت بشناسند ثانیاً شکایتی که حضرات تجار از محاسبات تجارتی دارند وزیر تجارت برائت ذمه خود را از تصحیر و قصور اظهار می نماید که موافقی در کار است یکی آنکه قانون معین نیست دیگر آنکه دخالت عدلیه باعث اختلال محاسبات تجارت است علت دیگر توسطات بعضی انجمنها و اشخاص و بست رفتن همه اینها باعث اینست که وزارت تجارت نمی تواند بوظیفه خود رفتار کند اگر مجلس مقدس این موافق را رفع کند وزارت تجارت بمحاکمات میتواند رسیده می کند والا نمی تواند علاوه این محاکمات اگر بخواهد بطور صحت و استحکام باهد اعضاء صحیح و حقوق درست برای آنها لازم است گفته شد که وزارت تجارت

باید بلوازم وزارت تجارنی که ترقی و توسعه تجارت و زوواج و ازدیاد اتمه داخله و ترقی امر ملاحه و زراعت و صناعت است اقدام نمایند نه محاکمات تجارنی محاکمات باید در عدلیه باشد در این باب مذاکرات فوق العاده بعمل آمد بالاخره فرار بر این شد که رای گرفته شود در اینکه محاکمات تجارنی مثل سایر محاکمات راجع به عدلیه باشد یا با وزیر تجارت اکثریت اراء بر این شد که باید با وزارت عدلیه باشد در محاکمات وزارت خارجه و محاکمات عسکری مذاکره شد بی نتیجه ماند تلگرافی از انجمن ملی ارومیه قرائت شد قریب باین مضمون که ارومیه در خطر ملت در تلگرافی خانه حاضر حاجی امام جمعه حاضر شد تا مطالب گفته شود بعد از قرائت جناب حاجی امام جمعه در کمال اسوس اظهار داشتند که تا حال جمعی ما را عیب و امان میدانستند حال که ماوم شد ما هم حق داریم بعد از اعطاء مشروطیت این اختلاف بین دولت و ملت باعث این هرج و مرج شد و علت از دست رفتن مملکت خواهد بود آنچه عقیده من است تا زود است برای رفع این اختلافی چند نفر اشخاص بی غرض از طرف مجلس باسمه نفر از وزراء بی غرض به نشینند بقانون یکی از دول حقوق سلطان را معین کنند و حقوق ملت بر سلطان را هم معین کنند تا رفع این اختلافی بشود والا مملکت از دست خواهد رفت و این تلگرافی هم باید برای این باشد که عساکر عثمانی دور ارومیه را گرفته اند

در باب اغتشاش آذربایجان و حوالی آن و عدم اقدامات وزرا خصوص وزیر داخله و مساجحه و تملل آن که خود خیانت بملت و مملکت است با آن اختطارات و اظهارات فوق العاده که شده است مذاکرات زیاد شد فرار شد که بوزارت داخله اخطار شود در یک مجلس حاضر شود بعد از توضیحات و صلاح بینی اقدامات لازمه را بنمایند

بعضی از وكلا اظهار داشتند که عقیده من این است که وكلا نمیکذارند وزرا بکار خودشان مستقیماً سوار باشند و باختیار کار کنند بی جهت بانها در مجلس اسانه ادب میکنند و دماغ آنها را میسوزانند گفته شد که وكلا باشخاص دوستی و دشمنی ندارند صفت خوب را خوب میگویند و بد را بد مسادامیکه هر وزیر همراهی دارد از او تمجید میشود وقتی که ندارد تکذیب این اسانه ادب نخواهد بود

حبل المتین

اگر چه ما تا بحال در خصوص نطق و کلامه رای نداده ایم لکن در کمال احترام باین دو کلمه آخری جسارت میکنیم و آنرا بروح پاک خاتم النبیین قسم میدهم آنقدر ملاحظات شخصی و خصوصی منظور

ندارند همه
جسای تامل
مقدم است یا
بشما نسبت
فلان وزیر
چه جهت دارد
میکنید و حرف
خواهند آمد
است و از نو
برده بردار
قبول
در مجلس میشود
هد فوراً مجلس
اگر
سکته بمملکت
شما چه خواه
وطن و مملکت
احترامات وز
بینید و فرق

از لندن
در مجلسی از
چنین نطق کرد
هنوز تا حدی
نشده ولی رفع
و از طرف دیگر
با کمال قدرت
این شق ثانی
نموده و تا حد
شبهه و شکی
شورش و فساد
هند بالاتفاق
خواهند نمود
اینکه با وجود
شمالی هندوست
خلاف نظم و
دلیل آنست که
قبایل محلیه

چنانچه
انگلیس وضع
و کنیز از تاریخ

ندارند همه عالم میبینند مملکت دارد میرود دیگر چه جای تامل است آیا ملاحظه احترامات یک وزیر مقدم است یا نگاهداری یک مملکت خوب است کسی بشما نسبت بدهد که یک ایرانی را فدای احترامات فلان وزیر میکنند؟ آخر اینهمه ملاحظه راجعت چیست؟ چه جهت دارد اینقدر در مجلس علنا بوزیر عدلیه تاخت میکنید و حرفی نیست لکن تا فهمیدید وزیر داخله بمجلس خواهند آمد عهد و شرط میکنید آیا او از جنس دیگر است و از نوع سایر وزراء نیست؟ خدا را زین معما پرده بردار

بقول تقی زاده چه جهت دارد مذمت از تمام رجال در مجلس میشود اما بمحض آنکه صحبت از وزیر داخله شد فوراً مجلس بحران میکند؟ اگر در این دوره که زمام امور بکف شما است سکتة بمملکت وارد بیاید آیندگان و تماشا کنندگان در حق شما چه خواهند گفت برای آفتاب گرم قیامت قدری بفرم وطن و مملکت باشید و همه هم خود را صرف نگاهداری احترامات وزیر . . . نکنید همه وزراء را یک چشم ببینید و فرق گذارید که شایسته مقام منبع شما نیست

تلکرافات خارجه

از لندن لرد کارزون فرمانفرمای سابق هندوستان در مجلسی از مجلس لندن در خصوص اغتشاش هندوستان چنین نطق کرده اگر چه این اغتشاش و هیجان اهالی هنوز تا حدی فقط سطحی است و با عمق قلوب جا گیر نشده ولی رفع ماده شکایات صحیحه آنها را باید کرد و از طرف دیگر باید اسباب و مانه ریادی نظمی و اغتشاش را با کمال قدرت و استبداد و استقامت دفع و رفع نمود در این حق ثانی حکومت هندوستان اهتمام لازمه صحیحه نموده و تا حدی ماده فساد را قلع و قمع کرده مرا هیچ شبهه و شکی نیست که در صورت روئین شدن آتش شورش و فساد در هندوستان سلاطین و شاهزادگان ممالک هند بالاتفاق طرفداری و همراهی از دولت انگلیس خواهند نمود نکته که قابل توجه و دارای اهمیت است اینکه با وجود بروز اغتشاش در بعضی نقاط از نواحی شمالی هندوستان که اغلب مهابی فتنه و اغتشاشند ابداً خلاف نظم و امنیت مشاهده نمی شود و این بقیده من دلیل آنست که حفظ و حرمت سرحادات را بشایر و قبایل محلیه تفویض نموده اند

چنانچه درنهم شهر حال اطلاع داده شد دولت انگلیس وضع قانونی نموده که در زکبیا تجارت غلام و کنیز از تاریخ اول اکتبر بکلی ممنوع و منسوخ شود

ولی چون قانون مزبور ضرر فاحشی بقسمتی از تجارت وارد می آورد دولت معظمه مبلغ چهل هزار لیره بمنوان مساعدت و رفع خسارت بدو اثر تجارتنی محلیه اعطا میفرماید سه فروند از جہازات جنگی ژاپون حامل افواج و عساکر ژاپونی وارد بندر چمپو پو شده و از طرف دیگر عساکر بری زیاد بادستجات سربازان بحری بطرفی سؤال میتازند اهالی کره از همه طرفی دچار مصیبت از طرفی بواسطه ورود دشون ژاپون مضطرب الحال و از طرفی دیگر حرارت فوق العاده و بی آبی که آتش بر سرشان میبارد مخیر روئیر از توکیو تلکرافات حکایت میکند که عهد

نامه جدیدی بین دولت ژاپون و کره بسته شده مشمر بر اینکه اختیار تمام ادارات داخلی کره و رفق و امور بکف کفایت مامور و وکیلی است که از طرف دولت ژاپون منصوب و مقیم ستول گردد

دیگر جمعی از صاحبمنصبان ژاپون را بریاست ادارات و وزارتخانه های کره مقرر نمایند

از لندن ۲۶ ژوئیه در برلن نیز کشتی هوائی بعد کمال ساخته شده و امتحان نموده اند از قرار مذکور چند ساعت بطور مطلوب و اختیار را کبدر روی هوا سیر نموده خود آلمانیها مدعی اند که ار کشتی هوائی فرانسه معروف به لاپاتری که بقازکی تکمیل شده و امتحان داده تفوق و برتری خواهد داشت

در مجلس لردهای انگلیس مسوده قانونی در خصوص اینکه خواتین حق منتخب شدن بسمت عضویت انجمنهای بلوکی و توابع داشته باشند دفعه سوم قرائت شد

(اعلان)

در ظل عنایات بلا تمامیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه و الطای و مراحم شاهنشاه اسلام پناه اعلیحضرت محمد علیشاه خلد الله ملکه و تالیفات مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه و توجهات حجج اسلام دامت برکاتهم از برای خدمت نامناء وطن با اجازه وزارت جلیله معارف مدرسه مبارکه موسوم بتدین در روز جشن ملی چهاردهم شهر حال در کوچه غریبان مفتوح گردیده است در کمال صحت و درستی از شاگردان پذیرائی میشود صاحب امتیاز محمدالحسینی الخراسانی

(اعلان)

چهارشنبه بیستم جمادی الثانیه ساعت بغلی طلا شخصی آورده بفروشد از او ضامن طلب شد رفته است ضامن بیاورد نیامده شاید ساعت دزدی باعث بایبدا کرده بهر حال هر کس ضامن و نشانی ساعت را بیاورد درب مسجد شاه نزد مشهدی مهدی و میرزا زین العابدین ساعت ساز باو داده خواهد شد

حسن الحسینی الکاشانی